

# ممنوعیت کاربرد سلاح‌های بیولوژیک از منظر حقوق بین‌الملل کیفری و اسلام\*

- علی اصغر آقار<sup>۱</sup>
- مسعود راعی<sup>۲</sup>

## چکیده

چنانچه از عوامل بیولوژیک و سمّی زیانبار، به عنوان سلاح در درگیری‌های مسلحانه و عملیات‌های تروریستی استفاده شود، آن عامل در زمره سلاح‌های بیولوژیک قرار می‌گیرد. سلاح‌های بیولوژیک که سابقه‌ای تاریخی جهت به کارگیری در اقدامات تروریستی و منازعات نظامی دارند، امروزه به طور خاصی مورد توجه کشورهای پیشرفته قرار گرفته‌اند. کاربرد این سلاح‌ها با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردی که دارند، تهدیدی جدی برای سلامت انسان‌ها و صلح و امنیت جامعه جهانی محسوب می‌گردد. خطر این گونه سلاح‌ها بیشتر از خطر سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی است؛ زیرا قادرند در مدت زمانی کوتاه،

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (a.asghar.a@gmail.com).
۲. دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) (masoudraei@yahoo.com).

موجب نابودی ده‌ها میلیون انسان شوند و عوارض ناشی از آن‌ها می‌تواند به نسل‌های بعدی نیز منتقل گردد. نتایج این بررسی که با شیوه توصیفی - تحلیلی سامان یافته است، نشان می‌دهد که هرچند سلاح‌های بیولوژیک در زمان ظهور اسلام به شکل امروزی وجود نداشته‌اند، ولی مبنای نظری مورد قبول در منع به کارگیری و مجازات استفاده از این گونه سلاح‌ها، مبتنی بر قواعد نسبتاً مشابه در شریعت اسلامی و نظام بین‌المللی کیفری است. بنابراین برای منع به کارگیری این گونه سلاح‌ها همچنان که ممکن است به اسناد مختلف بین‌المللی استناد کرد، می‌توان به آموزه‌های اسلامی و احکام شریعت نیز توسل جست؛ احکام و قواعدی که ناظر بر موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و منطبق بر شریعت عقلانی و مصالح جامعه بشری است.

**واژگان کلیدی:** جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، حقوق بین‌المللی کیفری، حقوق اسلامی، سلاح‌های بیولوژیک.

## مقدمه

ارتقای دانش بشری و توسعه فناوری، به دلیل عدم رشد همزمان تربیت و اخلاق انسانی، با آنکه به نظر می‌رسد جهت رفاه و تقلیل درد و رنج زندگی انسان‌ها مؤثر باشد و فردوس برین را برای بشر در این جهان مادی به ارمغان آورده باشد، ولی در واقع با به کارگیری عوامل نیرومند و مخرب بیولوژیک، چنان جهنم آتشی برای بشر معاصر مهیا کرده است که خواب راحت را از او سلب نموده و اندک آرامشی برای هیچ انسان شرافتمندی باقی نگذاشته است. سلاح‌ها و فناوری‌های بیولوژیک، پدیده‌های چندوجهی هستند که تمامی شئون زندگی انسان‌ها را هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی تحت تأثیر قرار داده‌اند و بیشتر از سایر جنگ‌افزارها چه در عرصه مخاصمات مسلحانه و چه در عرصه تروریستی مورد توجه قرار گرفته‌اند. سلاح‌های بیولوژیک به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردی که دارند، مورد توجه اکثر کشورهای جهان به ویژه کشورهای استعماری قرار گرفته‌اند و کاربردشان در مخاصمات مسلحانه و عملیات تروریستی رو به گسترش است. تولید و نگهداری این سلاح‌ها آسان است و به دلیل طبیعت زنده سلاح بیولوژیک، قابلیت تکثیر شدن دارند که این امر باعث

می‌شود به راحتی در هوا پراکنده و خودبه‌خود تکثیر و منتشر شوند و وسعت منطقه آلوده را گسترش دهند. این سلاح‌ها به دلیل نامرئی بودن و داشتن اثرات تأخیری، می‌توانند همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، زیست‌محیطی، غذایی و حتی اخلاقی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار دهند. عملکرد این سلاح‌ها بسیار گسترده است و می‌تواند انسان‌ها، حیوانات و محصولات کشاورزی را در برگیرد. این سلاح‌ها، توانایی بالا برای وارد نمود صدمه به اهداف را دارند و برای از بین بردن نیروهای طبیعت از مقاومت بالایی برخوردارند. این سلاح‌ها، سلاح‌هایی غیر دقیق و کور هستند و دقت لازم و کافی را برای اهداف تعیین‌شده ندارند و به کارگیری آن‌ها می‌تواند از اهداف مورد نظر فراتر رود (خالقی و نبوی، ۱۳۹۴: ۲۵). این سلاح‌ها دارای عوارض غیر قابل پیش‌بینی هستند و افراد شخصی در برابر آن‌ها به مراتب آسیب‌پذیرتر از نظامیان هستند. زمان مناسب برای مقابله با آن‌ها وجود ندارد و قابلیت پنهان نمودن عامل اصلی در این سلاح‌ها وجود دارد. این سلاح‌ها، تأثیرات مخرب و مهلکی بر روی هدف خود داشته و صدمات شدیدی به آن‌ها وارد می‌نمایند (موسوی و چهل‌تنی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). به کاربردن سلاح‌های بیولوژیک، آثار فحجی همچون مرگ‌های دردناک، اپیدمی<sup>۱</sup> و پاندمی<sup>۲</sup> وحشتناک به همراه دارد (شاه‌حسینی، ۱۳۸۱: ۵۹۷). این سلاح‌ها، چون قادرند آلودگی گسترده و نامحدودی ایجاد کنند و سطح وسیعی از انسان‌ها را در بر گرفته و از بین ببرند، عملاً اصول حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را زیر سؤال برده و جزء مصادیق سلاح‌های کشتار جمعی محسوب می‌گردند.

در زمینه کاربرد سلاح‌های بیولوژیک، کتاب‌ها و مقالات زیادی به فارسی و لاتین و دیگر زبان‌ها به نگارش درآمده‌اند که بیشتر این کتاب‌ها و مقالات، عوامل بیولوژیک را از بعد پزشکی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ چرا که عامل بیولوژیک در حوزه پزشکی و بهداشت کاربرد دارد. ولی منابعی که کاربرد سلاح‌های بیولوژیک را از نظر حقوقی، مخصوصاً حقوق کیفری و اسلام مورد واکاوی قرار داده باشند، چه در زبان فارسی و چه لاتین محدودند. بنابراین جرم‌انگاری کاربرد این گونه سلاح‌ها به عنوان مصادیقی از

۱. اپیدمی (epidemic): عارضه یا بیماری عام که به عموم مردم سرایت کرده و همه‌گیر باشد.

۲. پاندمی (pandemic): بیماری که از مرز چند قاره بگذرد و در حال جهانی شدن باشد؛ مانند ایدز یا کرونا.

یک جنایت بین‌المللی در قالب جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی، بر اساس اسناد بین‌المللی و همچنین اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و ممنوعیت کاربرد این گونه سلاح‌ها از منظر منابع حقوق اسلامی، مسئله‌ای است که محققان در این مقاله با تکیه بر قواعد و اصول موجود و با توجه به اسناد و مدارک معتبر بین‌المللی به آن پرداخته‌اند؛ زیرا بی‌توجهی به این سلاح‌های خطرناک در مرحله اول، تهدیدی علیه سلامت و امنیت انسانی، و در مرحله بعدی، تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی است. در همین راستا، مطالب این مقاله تحت دو بخش (۱) به کارگیری سلاح‌های بیولوژیک از منظر حقوق بین‌المللی کیفری و (۲) ممنوعیت به کارگیری این گونه سلاح‌ها از دیدگاه اسلام، مورد مطالعه قرار گرفته است.

## ۱. به کارگیری سلاح‌های بیولوژیک از منظر حقوق بین‌المللی کیفری

حقوق بین‌الملل کیفری، یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل است که امروزه در آن، ارزش‌های بشری به تدریج جایگاهی ویژه یافته و حتی در مواقعی بر داده‌های حاکمیتی مرجع شناخته شده است. در این شاخه حقوقی، شمه‌هایی از الگوهای نوظهور حقوق بین‌الملل دیده می‌شود که متضمن قوانین و مقررات لازم جهت محاکمه و مجازات مجرمان بین‌المللی است. در حال حاضر، بخشی از فلسفه حقوق و یکی از مسائل بنیادین در تشریح حوزه حقوق کیفری که متضمن پاسخ‌های اساسی در مورد علت جرم دانستن برخی از رفتارهاست، مبانی جرم‌انگاری است. بی‌تردید تبیین مبانی جرم‌انگاری رفتارهای ممنوعه در قلمرو حقوق کیفری، نقش مهمی در ایجاد باور به آن دارد و در نهایت موجبات پذیرش و مقبولیت آن‌ها را فراهم می‌آورد. بنابراین جرم‌انگاری فرایندی است که به وسیله آن، رفتارهای خاصی به موجب قوانین کیفری ممنوع و برای آن‌ها مجازات در نظر گرفته می‌شود (نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۷۶). از این رو، قواعد مربوط به جرم‌انگاری واجد دو ویژگی مهم هستند؛ اولاً تعیین‌کننده ویژگی‌های رفتاری هستند که جرم تلقی می‌شود. ثانیاً متضمن تعیین مجازات رفتارهای تشکیل‌دهنده هستند. این دو ویژگی در عرصه قواعد بین‌الملل کیفری نیز مطرح بوده و در تبیین مفهوم جنایت بین‌المللی و احراز وجود قاعده کیفری بین‌المللی نقش اساسی دارند

(سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۶۹). در این زمینه، حقوق بین‌الملل توانسته است برخی اقداماتی را که به نظر جامعه بین‌المللی مؤلفه‌های لازم برای جنایت تلقی شدن را دارند، به عنوان جنایت بین‌المللی<sup>۱</sup> به رسمیت بشناسد؛ از جمله کاربرد سلاح‌های بیولوژیک. جنایت کاربرد سلاح‌های بیولوژیک، از این جهت که علیه بشریت ارتکاب می‌یابد و در تعارض با اصول و قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه شناخته شده نزد ملل متمدن و کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌باشد، جنبه بین‌المللی دارد و موضوع حقوق بین‌الملل کیفری است. مسئله جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های بیولوژیک به عنوان یک جنایت بین‌المللی را می‌توان در دو حالت کلی بررسی کرد.

## ۱-۱. جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های بیولوژیک به عنوان یک جنایت

### بین‌المللی مستقل

این نوع جرم‌انگاری، بر ماهیت سلاح‌های بیولوژیک تأکید دارد و نفس کاربرد خود سلاح در قالب یک فعل مستقل و صرف نظر از آثار آن در استفاده‌های خاص و موردی، یک جنایت بین‌المللی قلمداد می‌گردد؛ بدین معنا که سلاح‌های بیولوژیک ماهیتاً همیشه ناقض قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی است و نیازی نیست که برای جنایت تلقی شدن کاربرد سلاح‌های بیولوژیک در هر مورد به ارزیابی رعایت یا نقض قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه پرداخته شود. جرم‌انگاری مستقل کاربرد سلاح‌های بیولوژیک، نیازمند انطباق کاربرد این گونه سلاح‌ها با ملاک‌های احراز وقوع جنایات بین‌المللی است. جنایات بین‌المللی اصولاً رفتارهایی هستند که ناقض قواعد آمره بین‌المللی بوده و بر اثر این نقض، نظم عمومی بین‌المللی بر هم می‌خورد. بنابراین دو معیار اصلی در احراز وقوع جنایات بین‌المللی نقش دارند؛ نقض قواعد آمره و بر هم خوردن نظم عمومی بین‌المللی که این امر می‌تواند در خصوص روند جرم‌انگاری سلاح‌های بیولوژیک نیز صادق باشد. البته در عرصه حقوق بین‌الملل کیفری، صرف نقض قواعد آمره و بر هم خوردن نظم عمومی بین‌المللی،

۱. جنایات بین‌المللی، شکل‌های گسترده، اساسی و گروهی از خشونت است که نه تنها تعداد قربانیان آن بسیار بالاست، بلکه صلح و امنیت بین‌المللی را نیز به خطر می‌اندازد (سمولرز و هاومن، ۱۳۹۶: ۷۳۸).

دلیلی برای جنایت تلقی شدن یک رفتار نیست. به عبارت دیگر، به محض تحقق معیارهای احراز وقوع جنایت بین‌المللی در خصوص رفتاری، آن رفتار به خودی خود یک جنایت بین‌المللی تلقی نمی‌گردد، بلکه وجود این معیارها تنها شرط لازم برای جنایت تلقی شدن رفتار به خصوص است، ولی شرط کافی نیست؛ چرا که علاوه بر این موارد باید عناصر تشکیل‌دهنده جنایت بین‌المللی در خصوص آن رفتار وجود داشته باشد. بدون وجود چنین امری نمی‌توان از مفهوم جنایت بین‌المللی در خصوص آن رفتار صحبت نمود. برای آنکه در حقوق بین‌المللی کیفری، یک پدیده جرم تلقی شده و منجر به مسئولیت کیفری فردی شود، باید آن عمل شامل یک فعل یا ترک فعل (عنصر مادی) باشد و همراه با قصد، بی‌احتیاطی یا غفلت شدید مرتکب (عنصر معنوی) باشد و اینکه عمل مزبور در مجموعه قواعد کیفری، یک جرم تلقی شده و غیر قانونی اعلام شده باشد (عنصر قانونی).

همچنین در عرصه بین‌المللی، کاربرد سلاحی نمی‌تواند به عنوان عمل مجرمانه قلمداد گردد، مگر آنکه کاربرد آن سلاح به موجب یک معاهده بین‌المللی ممنوع شده باشد. جرم‌شناسان اغلب جرم را رفتاری می‌دانند که به وسیله قانون‌گذار جرم‌انگاری شده باشد (هاومن و سمولرز، ۱۳۹۶: ۳۸)؛ لذا جرم‌انگاری تنها زمانی می‌تواند مطرح شود که کاربرد یک سلاح، نقض کیفری در چارچوب نظم حقوقی از پیش موجود باشد. یک سلاح ممکن است به دو طریق، ممنوع و غیر قانونی اعلام شود: ۱- با اتخاذ یک معاهده ممنوعیت ویژه؛ ۲- به خاطر استفاده ضرورتاً مغایر با قواعد حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه بین‌المللی (خارج از چارچوب معاهده). فرق میان این دو نوع جرم‌انگاری در این است که سلاحی که از طریق یک معاهده ممنوعیت ویژه، غیر قانونی اعلام می‌شود، منع استفاده از آن تنها برای کشورهایی که آن معاهده خاص را تصویب کرده‌اند، الزام‌آور است؛ اما سلاحی که با اجرای قواعد حقوق بین‌الملل عام (از جمله قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه)، غیر قانونی قلمداد می‌شود، برای کلیه کشورها غیر قانونی است؛ حتی اگر معاهده خاصی در این خصوص وجود داشته باشد که تمامی کشورها آن را تصویب نکرده باشند (7: Bein & Parker, 2003)؛ چون سلاح‌های بیولوژیک به طور مستقل بر اساس اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری جرم‌انگاری

نشده‌اند و بیشتر جرم‌انگاری غیر مستقل و مصادیق کاربرد این گونه سلاح‌ها تحت عنوان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت توضیح داده شده است.

## ۲-۱. جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های بیولوژیک به عنوان یک جنایت

### بین‌المللی غیر مستقل

کاربرد سلاح‌های بیولوژیک صرف‌نظر از ماهیت آن‌ها، بر اساس اینکه ناقض برخی از قواعد حقوق بین‌الملل است، در شرایطی می‌تواند به طور غیر مستقل یک جنایت بین‌المللی قلمداد گردد. در واقع در چنین وضعیتی، نفس کاربرد سلاح بیولوژیک یک جنایت بین‌المللی قلمداد نمی‌گردد؛ بلکه از روی آثار و شرایط خاص به بار آمده ناشی از کاربرد آن‌ها، می‌تواند در قالب سایر اشکال جنایات بین‌المللی، همچون جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت نسل‌کشی قلمداد گردد. این نوع جرم‌انگاری، جرم‌انگاری غیر مستقل است؛ چرا که کاربرد سلاح بیولوژیک، تنها از آنجایی که منجر به آثار ویژه‌ای می‌شود که جزء عناصر تشکیل‌دهنده جنایات است، یک جنایت تلقی می‌گردد. در چنین وضعیتی، کاربرد آن‌ها تنها وسیله مادی ارتکاب سایر جنایات بین‌المللی است. این نوع جرم‌انگاری هم در وضعیت جنگ و هم در وضعیت صلح قابل تحقق است (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۴: ۸۴). از لیست ۲۵ گانه جنایات بین‌المللی مندرج در اسناد بین‌المللی، کاربرد سلاح‌های بیولوژیک می‌تواند در قالب تعداد متعددی از آن‌ها به عنوان مصداقی از یک جنایت بین‌المللی مطرح شود که در اینجا فقط دو مورد که بر اساس اساسنامه دیوان بین‌المللی جرم‌انگاری شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.<sup>۱</sup>

۱. شریف باسیون، یکی از متخصصان برجسته حقوق بین‌المللی کیفری، تا کنون ۲۵ جنایت بین‌المللی را احصا نموده است که عبارت‌اند از: تجاوز، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی، نسل‌کشی، جنایت بر علیه سازمان ملل و اعضای آن، تصرف یا استفاده غیر قانونی از سلاح‌ها، سرقت مواد هسته‌ای، مزدوری، آپارتاید، برده‌داری، شکنجه، آزمایشات غیر قانونی روی انسان، دزدی دریایی، هواپیماربابی، اعمال غیر قانونی بر علیه دریانوردی، اعمال غیر قانونی بر علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی، گروگانگیری افراد غیر نظامی، اعمال غیر قانونی بر علیه پست، قاچاق مواد مخدر، تخریب یا سرقت منابع ملی، اعمال غیر قانونی بر علیه محیط زیست، قاچاق و توزیع بین‌المللی اشیاء شهوت‌انگیز، قطع کابل‌های زیردریایی بین‌المللی، ارتشاء مأموران دولتی خارجی (47: Bassiouni, 1999).

## ۱-۲-۱. کاربرد سلاح‌های بیولوژیک مصداقی از یک جنایت جنگی<sup>۱</sup>

یکی از مهم‌ترین جنایات در شرایط جنگ مندرج در اسناد بین‌المللی، جنایات جنگی است. جنایات جنگی، جنایاتی هستند که ارتکاب آن‌ها نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی ناظر بر درگیری‌های مسلحانه را در پی دارد. این جنایات که مغایر با حقوق بشردوستانه بین‌المللی قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه هستند، سه اصل اساسی «ضرورت»<sup>۲</sup>، «مروت»<sup>۳</sup> و «انسانیت»<sup>۴</sup> را زیر پا می‌گذارند. به موجب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان سند نهایی دربرگیرنده تعریف جنایات جنگی، این جنایات در سه دسته عمده قرار می‌گیرند؛ دو دسته اول مربوط به جنایات جنگی ارتكابی در جریان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است و دسته سوم مخاصمات مسلحانه داخلی را در بر می‌گیرد که شامل نقض‌های فاحش ماده ۳ مشترک و دیگر قوانین و عرف‌های قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی است (باباخانی، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

در میان قواعد حقوق بشردوستانه، برخی اصول وجود دارند که دارای اهمیت و اقتدار خاصی هستند. این اصول معرف ساختار حقوقی، حقوق بشردوستانه هستند که ریشه در اصل کرامت انسانی و انسانیت دارند. محور اصلی این اصول، تقدم و اولویت بشر و حرمت انسان‌ها و حمایت از آن است که اهمیت آن‌ها را تا شأن قواعد آمره ارتقا داده است. این اصول جهان‌شمول بوده و حمایت از آن، هدف اصلی حقوق بشردوستانه است (فلسفی، ۱۳۷۰: ۵۸). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در سال ۱۹۴۹ میلادی در ماهیت رأی کانال کورفو، «ملاحظات اساسی بشردوستانه» را به عنوان اصول کلی به رسمیت شناخته شده در حقوق بین‌الملل عمومی عنوان می‌نماید. همچنین دیوان به تفصیل در دو نظریه مشورتی خود در قضایای «مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای» (۱۹۹۶) و مشروعیت «ساخت دیوار حائل در اراضی اشغالی فلسطین»

1. War crime.
2. Necessity.
3. Chivarly.
4. Humanity.



(۲۰۰۴) و رأی توافقی خود در قضیه «فعالیت‌های مسلحانه در سرزمین کنگو» (۲۰۰۵) به موضوعات بشردوستانه پرداخته است (رضوی‌فرد و نوروزی، ۱۳۹۶: ۳). دیوان، اصول تفکیک، منع کاربرد سلاح‌های غیر قابل تمییز، منع ایجاد درد و رنج غیر ضروری بر رزمندگان و نامحدود نبودن حق دولت‌ها در انتخاب روش و کاربرد تسلیحات را به‌عنوان اصول بنیادین تشکیل‌دهنده زیربنای حقوق بشردوستانه برمی‌شمارد (البرزی‌ورکی، ۱۳۸۳: ۵۸؛ ICJ, Advisory Opinion, 1996).

علاوه براین، قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه برای همه کشورها صرف‌نظر از اینکه آن‌ها کنوانسیون‌های شامل آن مقررات را تصویب کرده‌اند یا نه، الزام‌آور است. به خاطر اینکه آن‌ها اصول غیر قابل تخطی حقوق بین‌الملل عرفی را تشکیل می‌دهند. حمایت کامل‌تر از ماهیت غیر قابل تخطی اصول و قواعد حقوق بشردوستانه در بند ۵ ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ میلادی نیز صورت گرفته است. مقررات این معاهده در خصوص شرایط خاتمه یا تعلیق معاهدات، درباره معاهدات حقوق بشردوستانه اعمال نمی‌شود. در نهایت آنچه مسلم است اینکه اصول حقوق بشردوستانه از نظر گستره، عام‌الشمول و از جهت درجه اولویت و قدرت الزامی در زمره قواعد آمره هستند (ساعد، ۱۳۸۶: ۲۵۹). اصولاً یکی از انواع بارز و برجسته که موجب نقض قواعد مختلف حقوق جنگ و حقوق بشردوستانه می‌شود و می‌تواند جنایت جنگی به‌شمار رود، استفاده از سلاح‌های ممنوعه از جمله سلاح‌های بیولوژیک است که این ممنوعیت خود از ویژگی‌های مخرب و فاجعه‌بار این گونه سلاح‌ها ناشی می‌شود. بنابراین نقض شدید قوانین و عرف‌های قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه، جنایت جنگی بوده و در نهایت منجر به مسئولیت کیفری فردی می‌شود؛ همان طوری که شعبه استیناف دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ عنوان داشته که جنایات جنگی باید (۱) شامل نقض یک قاعده حامی ارزش‌های مهم باشد و آثاری فاحش برای قربانی به‌بار آورد، (۲) نقض باید تخلف از یک قاعده حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد، (۳) قاعده باید ماهیتاً عرفی باشد یا چنانچه مربوط به حقوق قراردادی است، باید شرایط لازم را داشته باشد، (۴) به موجب حقوق عرفی یا قراردادی، نقض قاعده باید منجر به مسئولیت کیفری فردی شخص خاطی گردد. به عبارت دیگر، رفتار تشکیل‌دهنده یک

نقض جدی حقوق بین‌الملل باید جرم‌انگاری شده باشد (باباخانی، ۱۳۸۷: ۱۵۲؛ سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۴: ۷۹).

همچنین برای اینکه جرایم کیفری منجر به جنایت جنگی شوند، باید ارتباطی میان عمل مزبور با یک مخاصمه مسلحانه وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، برای اینکه کاربرد سلاحی منجر به جنایت جنگی شود، آن سلاح باید در چارچوب یک مخاصمات مسلحانه به کار گرفته شود. البته تا مدت‌ها نقض حقوق بشردوستانه ارتكابی در جنگ‌های داخلی، جنایت بین‌المللی محسوب نمی‌گردید، اما در سال ۱۹۹۵ میلادی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ عنوان داشت که استفاده از سلاح‌هایی که موجب درد و رنج بیهوده می‌شوند، منجر به مسئولیت کیفری فردی می‌شود؛ خواه این امر در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یا در مخاصمات مسلحانه داخلی رخ داده باشد (Cassese, 2008: 88).

در ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، فهرست کامل جنایات جنگی احصا شده است.<sup>۱</sup> بنابراین اگر کاربرد سلاح‌های بیولوژیک در یک مخاصمه مسلحانه به نتایج نامبرده در ماده ۸ اساسنامه منجر شود، صرف نظر از ماهیت آن سلاح و اینکه آیا سلاح مزبور یک سلاح ممنوعه است یا نه، یک جنایت جنگی قلمداد می‌گردد. در

۱. این جنایات عبارت‌اند از: کشتار عمدی؛ رفتار غیر انسانی از جمله آزمایش‌های زیست‌شناختی؛ فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید بر جسم یا سلامتی؛ تخریب گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی آن را توجیه نمی‌کند و به صورت غیر قانونی و خودسرانه انجام شده است؛ هدایت عمدی حملات بر ضد مردم غیر نظامی در کلیت آن، که مشارکت مستقیم در مخاصمات ندارند؛ هدایت عمدی حملات بر ضد اهداف غیر نظامی؛ هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان، تأسیسات، مواد، واحدها و وسایل نقلیه‌ای که در کمک‌رسانی بشردوستانه یا مأموریت حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کار گرفته می‌شوند؛ انجام حمله عمدی با علم به اینکه چنین حملاتی باعث تلفات جانی یا آسیب به غیر نظامیان یا خسارت به اهداف غیر نظامی یا آسیب گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست خواهد شد و آشکارا نسبت به مجموعه مزیت نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن، بیش از اندازه است؛ حمله یا بمباران شهرها، روستاها، مناطق مسکونی یا ساختمان‌هایی که بی‌دفاع بوده و اهداف نظامی نیستند؛ هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمان‌هایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری و علمی یا خیریه اختصاص یافته‌اند و حمله به آثار تاریخی و ساختمان‌ها و مکان‌های تجمع بیماران و زخمی‌ها، مشروط به آنکه آن مکان‌ها، اهداف نظامی نباشند؛ تخریب اموال دشمن، مگر آنکه ضرورت‌های جنگی چنین تخریبی را ایجاب کند؛ هدایت عمدی حملات علیه ساختمان‌ها، مواد، واحدها، وسایل نقلیه پزشکی و افرادی که نشانه‌های مشخصه کنوانسیون‌های ژنو را مطابق حقوق بین‌الملل به کار می‌برند.

چنین وضعیتی، تنها عنصر مادی جرم برای ارتکاب یک جنایت جنگی کافی است. تحت این شرایط، کاربرد سلاح‌های بیولوژیک می‌تواند مشمول صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار گیرد. همچنین بر اساس شق هفدهم جزء ب بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، کاربرد سم یا جنگ‌افزارهای سمی که این حکم عیناً از بند الف ماده ۲۳ کنوانسیون ۱۹۰۷ میلادی لاهه برگرفته شده است، مصداقی از جنایت‌های جنگی است (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۳۲۵). کلمه سم در واژه‌نامه انگلیسی بین‌المللی کمبریج، ماده‌ای است که در صورت مواجهه با یک موجود زنده، مخصوصاً بدن یک شخص یا حیوان باعث بیماری یا مرگ گردد. بنابراین منظور از کاربرد سم یا سلاح‌های سمی، ابزار جنگی سمی است که در نهایت موجب صدمه و آسیب شدید به جسم قربانی یا موجب مرگ وی شود (واحدی، ۱۳۸۹: ۶۱). قدمت این ممنوعیت حداقل به آخرین سال‌های قرون وسطی باز می‌گردد و احتمالاً کهن‌ترین ممنوعیت یک ابزار جنگی در حقوق بین‌الملل است. بنابراین می‌توان گفت که معنای عادی کلمه سم از سوی کمیسیون مقدماتی دیوان مورد پذیرش قرار گرفته است. ممنوعیت اخیر مطلق است؛ بدین مفهوم که سمی کردن به صرف هشدار به دشمن مبنی بر استفاده از سم، مثلاً با اعلام اینکه آب سمی شده است، مشروعیت نمی‌یابد (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۳۲۵). همچنین بر اساس شق هجدهم جزء (ب) بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی یا دیگر گازها و کلیه مایعات مواد یا وسایل مشابه ممنوع بوده و کاربردشان می‌تواند منجر به جنایت جنگی شود. ممنوعیت اخیر عیناً از پروتکل ۱۹۲۵ میلادی ژنو راجع به منع استعمال گازهای خفه‌کننده و سمی یا دیگر گازها و همچنین روش‌های جنگی میکروبی برگرفته شده است. گاز، مواد یا ابزار به کار گرفته شده باید به گونه‌ای بوده باشد که خواص خفه‌کننده یا مسموم‌کننده آن به طور معمول موجب مرگ یا صدمات شدید به سلامتی شود (محمدنسل، ۱۳۸۵: ۲۴۹). عناصر تشکیل‌دهنده جرایم که به تصویب کمیسیون مقدماتی دیوان رسیده است، در مورد این جرم اجمالاً مقرر می‌دارد که اولاً مرتکب باید گاز یا ماده یا سلاحی را به کار برده باشد که ماده جدیدی با استفاده از آن آزاد شود؛ ثانیاً این ماده به گونه‌ای باشد که با گذشت زمان به واسطه خواص سمی خود به مرگ یا

صدمه جدی نسبت به سلامتی فرد منتهی شود؛ ثالثاً مرتکب با آگاهی به اوضاع و احوال عینیِ موجودِ مخاصمهٔ مسلحانه مرتکب جنایت شده باشد (دورمن و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۰۰). در کل می‌توان گفت که ممنوعیت استفاده از سم و سلاح‌های سمی (سلاح‌های بیولوژیک)، یک قاعده دیرپای حقوق بین‌الملل عرفی است که در گذشته، در کد لیبِر<sup>۱</sup> و مقررات لاهه<sup>۲</sup> به رسمیت شناخته شده است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظریه مشورتی مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای مورخ ۱۹۹۶ میلادی، ماهیت عرفی ممنوعیت استفاده از سم و سلاح سمی (سلاح‌های بیولوژیک) را مورد تأیید قرار داده است. ممنوعیت یادشده در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی صریحاً در اسناد مذکور مطرح نشده، اما رویه غالب کشورها، زمینه را برای عرفی تلقی کردن این قاعده فراهم کرده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۲۲۰).

### ۱-۲-۲. کاربرد سلاح‌های بیولوژیک مصداقی از جنایت علیه بشریت<sup>۳</sup>

کاربرد سلاح‌های بیولوژیک منحصر به مخاصمات مسلحانه نیست؛ چرا که استفاده از سلاح‌های بیولوژیک در شرایط صلح و در عملیات‌های تروریستی نیز قابل استفاده است. یکی از مهم‌ترین جنایات در شرایط صلح مندرج در اسناد بین‌المللی، جرم جنایت علیه بشریت است. بر اساس اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری:

«منظور از جنایت علیه بشریت، حمله گسترده و سازمان‌یافته باهدف ضدیت نسبت به هر جمعیت غیر نظامی است که با علم و آگاهی به آن ارتکاب می‌یابد» (واحدی، ۱۳۸۹: ۴۵).

منظور از حمله در تعریف جرم جنایت علیه بشریت، برخورد و رفتاری است که دربرگیرنده اقدامات خشونت‌بار باشد. این اقدامات شامل هر گونه بدرفتاری و

۱. کد لیبِر (Lieber code)؛ در سال ۱۸۶۱ فرانسیس لیبِر، استاد آلمانی - آمریکایی علوم سیاسی و حقوق در دانشگاه کلمبیا، نیویورک، از طرف لینکلن رئیس‌جمهور آمریکا، نظام‌نامه‌ای بر مبنای حقوق بین‌الملل تنظیم کرد که برای نخستین بار در سال ۱۸۶۳ میلادی به اجرا گذاشته شد و در جنگ داخلی برای نیروی زمینی ایالات متحده لازم‌الاجرا بود.

۲. ماده ۲۳ کنوانسیون ۱۹۰۷ میلادی لاهه.

3. Crimes against humanity.

آسیب‌رسانی به یک جمعیت غیر نظامی است که متضمن مصادیق مختلفی است. نکته‌ای که در اینجا قابل توضیح است اینکه منظور از حمله، صرفاً حمله نظامی نیست؛ بلکه سایر اقدامات مجرمانه که با هدف ضدیت با جمعیت غیر نظامی همراه باشد نیز مصداق جرم جنایت علیه بشریت است. همان‌طور که یک یهودی گشتاپو که در دوران رایش سوم، اجرای بخشی از محروم کردن یهودیان آلمانی را از جهت فرهنگی و اقتصادی بر عهده داشت، به عنوان ارتکاب جرم علیه بشریت محکومیت یافت (ورله، ۱۳۸۷: ۶۶). همچنین واژه گسترده به معنای تعرض به جمع کثیری از افراد است. معیار گستردگی، عامل کمی جرم است که توسط تعداد قربانیان تعیین می‌شود (نعمتی، ۱۳۹۹: ۱۳۷) و سازمان‌یافته بودن ناظر به جنبه کیفی جرم است و متضمن این نکته است که این حمله تصادفی نباشد، بلکه بر اساس یک برنامه یا سیاست از پیش تدوین‌شده انجام گیرد (واحدی، ۱۳۸۹: ۴۶).

بنابراین برای تحقق جنایت علیه بشریت، سه عنصر گستردگی، سازمان‌یافته بودن و وقوع علیه جمعیت غیر نظامی و علم به ماهیت آن لازم است. همچنین اگر مصادیق مقرر در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را به طور کلی در نظر بگیریم، خواهیم دید که یک فعل مجرمانه، عنصر ضروری مشترک در بین تمامی جنایات بر ضد بشریت است. این فعل مجرمانه می‌تواند هم به لحاظ ماهیت و هم از جهت ویژگی‌های خود، یک رفتار غیر انسانی باشد که باعث صدمه جدی به سلامت جسم یا روح فرد می‌شود. حال با توجه به مطالب فوق، آیا می‌توان کاربرد سلاح‌های بیولوژیک در اقدامات تروریستی (بیوتروریسم) را یک جنایت علیه بشریت محسوب کرد؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید بیوتروریسم را تعریف کرد. بر اساس تعریف پلیس بین‌الملل در سال ۲۰۰۷ میلادی، بیوتروریسم عبارت است از:

«منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی با هدف کشتن یا آسیب رساندن به انسان‌ها، حیوانات و گیاهان با قصد و نیت قبلی و به منظور وحشت‌آفرینی، تهدید و وادار ساختن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواسته‌ای سیاسی یا اجتماعی» (یک‌رنگی و واحدی، ۱۳۹۸: ۱۶۵؛ دریایی، ۱۳۹۴: ۱۰).

با توجه به این تعریف می‌توان گفت که عناصر مادی تشکیل‌دهنده جرم بیوتروریسم

که از آثار کاربرد سلاح‌های بیولوژیک در اقدامات تروریستی حاصل می‌شوند، عبارت‌اند از: آسیب رساندن به انسان‌ها به طور مستقیم و غیر مستقیم و ایجاد ترس، وحشت، رعب و هراس و ناامنی در بین افراد یا گروه‌های معین یا عموم مردم. آنچه ترس و وحشت موجود در بیوتروریسم را از وحشت و ترسی که در سایر جرایم برای قربانی به وجود می‌آید، تفکیک می‌کند آن است که در جرایم دیگر، ایجاد ترس و وحشت، عنصر مادی و هدف اصلی جرم نیست، بلکه به طور فرعی و ثانوی از اعمال او ناشی می‌شود؛ برای مثال، سارقی که به طرف قربانی حمله کرده و جیب او را خالی می‌کند یا به زور سلاح، کیف او را می‌رباید نیز ایجاد ترس می‌کند، ولی چنین سارقی تروریست محسوب نمی‌شود، زیرا هدف او ایجاد ترس نبوده بلکه ربودن مال قربانی است. اما در اقدامات بیوتروریستی، ایجاد ترس و وحشت هدف اصلی جرم محسوب می‌شود.

در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، فهرست کامل جنایات علیه بشریت احصا شده است.<sup>۱</sup> بنابراین اگر کاربرد سلاح‌های بیولوژیک به نتایج نامبرده در ماده ۷ اساسنامه منجر شود، بدون در نظر گرفتن ماهیت آن، کاربرد آن یک جنایت علیه بشریت قلمداد می‌گردد. تحت این شرایط، کاربرد سلاح‌های بیولوژیک می‌تواند مشمول صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار گیرد. بنابراین اولین شرط تحقق جرم جنایت علیه بشریت، عنصر مادی آن است که مرتکب یکی از رفتارهای پایه این جرم را انجام دهد. در آرای صادره از دادگاه‌های کیفری، همچون دادگاه یوگسلاوی سابق، رواندا و دیوان بین‌المللی کیفری، عنصر مادی این جرم، ارتکاب یکی از جرایم پایه در

۱. این جرایم عبارت‌اند از: قتل عمدی؛ نابودسازی؛ به بردگی گرفتن؛ بیرون راندن یا انتقال اجباری یک جمعیت؛ حبس کردن یا دیگر اشکال ایجاد محدودیت شدید نسبت به آزادی رفت و آمد در تخطی از قواعد اساسی حقوق بین‌الملل؛ شکنجه؛ هتک ناموس به عنف؛ برده‌گیری جنسی؛ به فحشا واداشتن؛ حاملگی اجباری؛ عقیم‌سازی اجباری یا هر شکل دیگر تعرض جنسی قابل قیاس با این موارد؛ زجر و آزار هر گروه یا جمع شناسایی‌پذیر به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی یا سایر زمینه‌هایی که در سراسر جهان، غیر مجاز بودن آن‌ها به موجب حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده و مرتبط با هر یک از اعمال یادشده در بند ۱ ماده ۷ یا هر جنایت دیگری است که تحت صلاحیت دیوان قرار دارد؛ ناپدیدسازی اجباری اشخاص؛ جنایت جداگری؛ سایر اعمال غیر انسانی با خصیصه مشابه که عمداً باعث رنج فراوان یا صدمات جدی به جسم یا سلامت روحی و جسمی می‌گردد.

چارچوب یک حمله گسترده یا سازماندهی شده است که البته برخی دادگاه‌ها، هر دو شرط گستردگی و سازماندهی شده را با هم لازم دانسته و برخی دیگر با پیروی از حقوق بین‌المللی عرفی، وجود هر یک از آن دو را کافی شمرده‌اند.

با بررسی و تحلیل عناصر مادی جرم جنایت علیه بشریت و بیوتروریسم، می‌توان به این نتیجه رسید که آنچه در این جرایم مورد هدف قرار می‌گیرد و تهدید می‌شود، حیات انسان‌هاست. حیات انسان، ارزشمندترین دارایی اوست و صیانت از این دارایی بی‌همتا یکی از ضروریات است. حیات انسان با مسائل و عناصر گسترده‌ای پیوند خورده که یکی از این عناصر که ارتباط مستقیم با حیات انسان دارد، مسئله سلامتی است. سلامتی انسان یکی از لوازم اولیه برخورداری از حیاتی شرافتمندانه محسوب می‌شود و در عین اینکه برای بهره‌مندی از دیگر حق‌ها و آزادی‌ها ضرورت دارد، تحقق و بهره‌مندی از خود این حق نیز در گرو وجود عنصر دیگری همچون امنیت است (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۲: ۴۸). امنیت انسانی، متضمن برخورداری از یک زندگی سالم، استاندارد و مناسب است و در وسیع‌ترین مفهوم به معنای مطمئن بودن هر فرد انسانی به حفاظت و حمایت از موجودیت و شخصیتش در برابر تمامی اشکال خشونت، بدرفتاری و اعمال غیر انسانی و رهایی از نیاز و هراس و زندگی همراه با کرامت است و دارای چهار ویژگی اصلی است که عبارت‌اند از: ۱- امنیت انسانی، دغدغه‌ای است جهانی که به هر شخص و در هر جایی مربوط می‌شود؛ ۲- عناصر آن به هم پیوسته‌اند و تهدید به آن در یک قسمت از جهان، سایر قسمت‌های عالم را نیز متأثر می‌کند؛ ۳- پیشگیری قبلی از تهدید علیه این امنیت، از مداخله بعدی برای برقرار ساختن آن سهل‌تر است؛ ۴- دارای مفهوم «فردمحور»<sup>۱</sup> است (آرش‌پور و جعفری، ۱۳۹۴: ۸۶؛ فن تیگروم، ۱۳۸۹: ۲۳). می‌توان گفت که اصل امنیت انسانی، از اصول مشترک حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است و دارای ابعاد فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی است. بنابراین امنیت انسانی چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، شامل توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی، حمایت از محیط زیست، خلع سلاح، احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون است (امامی و

1. Individual-centered.

شوپای جویباری، ۱۳۹۵: ۵۸).

امنیت انسانی هفت مقوله اصلی و مهم از جمله امنیت غذایی (دسترسی به غذای سالم)، امنیت بهداشتی و سلامت (حق بر سلامت و حمایت از بیماران)، امنیت شخصی (حمایت فیزیکی در برابر شکنجه، جنگ و حملات جنایی)، امنیت اجتماعی (بقای فرهنگ‌های سنتی)، امنیت اقتصادی (رهایی از فقر)، امنیت سیاسی (آزادی و رهایی از سرکوب سیاسی) و امنیت زیست‌محیطی (حمایت در برابر آلودگی‌ها) را در بر می‌گیرد (تاموشات، ۱۳۹۱: ۱۵۰؛ فلاحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۱). از حیث هر یک از ابعاد مختلف مادی و معنوی نیز مقررات مختلفی در اسناد حقوق بشری جهت تضمین امنیت انسانی مقرر شده‌اند که به عنوان نمونه در این ارتباط می‌توان به ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه قاهره)، ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و به‌طور خاص کنوانسیون بین‌المللی ضد شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز (۱۹۸۵) اشاره نمود که جهت صیانت از امنیت انسانی به تصویب رسیده‌اند. در نتیجه بر اساس اسناد فوق، هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد و با هیچ کس نمی‌توان رفتاری ظالمانه یا بر خلاف شأن انسانی داشت. باتوجه به مطالب بیان‌شده می‌توان گفت که سلامتی و امنیت، سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش‌شرط هر گونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می‌آید. لذا حق حیات، شایسته سلامتی، امنیت، آزادی است و هر گونه رفتار ظالمانه، بر خلاف شأن انسانی افراد و ممنوع است.

بنابراین استفاده از سلاح‌های بیولوژیک در اقدامات تروریستی در کلیه ابعاد آن، نقض حقوق بشر محسوب می‌شود و بیوتروریسم، به‌طور خاص ناقض یکی از حقوق بنیادین آن یعنی حق بر سلامتی است که منجر به لطمه، آسیب و صدمه شدید به تمامیت جسمانی و روانی افراد غیر نظامی شده و در ابعاد بسیار گسترده آسیب‌های غیرانسانی وارد می‌سازد که این آسیب‌ها باعث ایجاد درد و رنج فراوان جسمی و روانی افراد می‌گردد؛ به طوری که وجدان جامعه بشری به هیچ وجه آن‌ها را قبول ندارد. از سویی دیگر، کاربرد این گونه سلاح‌ها می‌تواند تماماً سازمان‌یافته و متعاقب یک طرح



منظم و باقاعده و بر مبنای سیاست مشترک باشد. از این رو، استفاده از سلاح‌های بیولوژیک در اقدامات تروریستی به شرط تحقق پیش‌شرط‌های لازم، می‌تواند جنایت علیه بشریت قلمداد شود. همچنین اگر کاربرد سلاح‌های بیولوژیک به قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه قومی، ملی، مذهبی یا نژادی نیز همراه شود در آن صورت، جنایت نسل‌کشی نیز تلقی می‌گردد (فلاح سیاه‌خاله‌سر و فضائی، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

## ۲. ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های بیولوژیک از دیدگاه اسلام

حقوق اسلامی، بر مبنای موازین دگرگونی‌ناپذیر قرآن مجید و سنت استوار است و موازین حقوق اسلامی ناظر بر کاربرد جنگ‌افزارها از جمله سلاح‌های بیولوژیک نیز بی‌شک بر پایه رعایت معیارهای آن استوار است. آشکار است که در صدر اسلام، ابزارها و سلاح‌های بیولوژیک به شکل امروزی آن وجود نداشته است. بنابراین نمی‌توان نص صریحی راجع به تولید و کاربرد این گونه سلاح‌ها در آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام پیدا کرد؛ اما با بررسی حکم به کارگیری سلاح‌های خطرناک مشابه می‌توان به دیدگاه اسلام در این زمینه پی برد. برخی از دلایل و قواعد قابل استناد بر ممنوعیت و جرم‌انگاری به کارگیری سلاح‌های بیولوژیک از منظر اسلام عبارت‌اند از:

### ۱-۲. ممنوعیت استفاده از سم در درگیری‌ها

در روایتی به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ممنوع بودن کاربرد سم که یکی از انواع سلاح‌های بیولوژیک است، اشاره شده است.

«إِنَّ النَّبِيَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نَهَى أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸/۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۳/۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۴۶/۱۱ و ۶۲/۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۷/۱۹ و ۲۷۱/۱۰۸؛ همو، ۱۴۰۷: ۳۵۳/۱۸؛ طباطبایی بروجردی، ۱۴۰۷: ۱۵۳/۱۳)؛ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از به کارگیری سم در سرزمین مشرکان نهی فرمود.

در این روایت هرچند تنها از سم نام برده شده است، اما به دلیل مشابهت تأثیر سم با سلاح‌های نوین بیولوژیک، تمامی آن‌ها را در بر می‌گیرد؛ زیرا فرقی میان مسموم کردن آب و هوا و زمین با استفاده از دیگر سلاح‌های بیولوژیک نیست. بدیهی است که نهی

در این روایت، دلالت بر حرمت و ممنوعیت استفاده از این سلاح‌ها دارد. به علاوه، ممنوع بودن کاربرد سلاح‌های سمی از مهم‌ترین رفتار و مقررات جهاد در حقوق اسلام است.

از لحاظ فقهی، «اکثر فقهای عظام استفاده از سم علیه طرف مقابل را ممنوع اعلام نموده‌اند» (عظیمی شوشتری، ۱۳۹۲: ۱۵۰)؛ برای مثال، صاحب‌جوهر قائل به حرمت است و در بیان مبنای این حرمت، احتمال داده است که این قبیل روش‌های جنگی منجر به کشتار کسانی شود که قتل و کشتن آن‌ها مجاز نبوده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۶۸). همچنین برخی فقها نظیر خلیل الملکی در بحث جهاد پیرامون استفاده از نیزه‌های زهرآلود، حکم به حرام بودن استفاده از این سلاح‌ها نموده‌اند؛ چرا که نیزه‌های زهرآلود، منجر به ایجاد جراحت و آسیب بیش از حد ضروری به دشمن می‌شود. بر این اساس، استفاده از نیزه‌های سمی ممنوع اعلام شده است (حمیدالله، ۱۳۸۶: ۲۳۵). در یک بررسی کلی می‌توان رویکرد فقه اسلامی به ریختن سم و استفاده از چنین سلاح‌هایی در درگیری‌ها را در چهار قول ذیل خلاصه کرد: قول اول، حرمت القاء سم به صورت مطلق؛ قول دوم، حرمت القای سم مگر اینکه گشایش کشور دشمن منوط به آن باشد؛ قول سوم: حرمت استفاده از سم مگر ضرورت ایجاب کند؛ قول چهارم، کراهت (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۱۲؛ همو، ۱۳۴۷: ۱۵۳؛ همو، ۱۳۸۷: ۱۱/۲؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۲۰۱؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۷/۲؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۱۴۲/۲).

در حقوق بین‌الملل، اعلامیه سن پترزبورگ<sup>۱</sup> را می‌توان نخستین اعلامیه دانست که استفاده از سلاح‌های سمی و کاربرد سم را به عنوان یک ابزار جنگی ممنوع کرده است. همچنین بر اساس ماده ۴۵ پروتکل اول و ماده ۱۴ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ میلادی ژنو، غیر قابل استفاده کردن اموالی که برای بقای سکنه غیر نظامی لازم است، نظیر آب، غذا، مناطق و محصولات کشاورزی و دامی، ممنوع است و مسموم کردن موارد فوق می‌تواند یکی از عوامل غیر قابل استفاده کردن آن باشد.

۱. اعلامیه ۱۸۶۸ سن پترزبورگ: دولت‌های تصویب‌کننده این اعلامیه اعلام کردند که تنها هدف مشروع نظامی، تضعیف نیروهای نظامی دشمن است و استفاده از جنگ‌افزایی که تأثیری بیش از این بر دشمن دارد، غیر ضروری و ممنوع است.

## ۲-۲. حرمت تخریب و نابودی محیط زیست

سلاح‌های بیولوژیک، علاوه بر اینکه موجب کشتار وسیعی می‌شود، باعث تخریب گسترده و بدون تفکیک اهداف غیر نظامی از جمله محیط زیست طبیعی نیز می‌گردد؛ محیط زیستی که از عناصری تشکیل شده که رشد گیاهان و حیوانات و زندگی انسان وابسته به آن‌هاست (دستغیب، ۱۳۹۵: ۳/۳۹). در حقوق اسلام، تأکید زیادی بر سالم نگه داشتن محیط زیست که ارتباط مستقیم با سلامت انسان‌ها دارد، شده است. هر چه محیط زیست ما سالم‌تر باشد، سلامتی ما بیشتر حفظ می‌شود. اسلام محیط زیست را واحدی غیر قابل تجزیه در نظر می‌گیرد و بین انسان و محیط زیست در جهان هستی، جدایی قائل نیست (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۵: ۴۸). محیط زیست، یکی از عوامل تأثیرگذار در زندگی بشر تلقی می‌گردد؛ زیرا انسان‌ها در تمام دوران زندگی با محیط اطراف خود ارتباط نزدیکی دارند. حق برخورداری از محیط زیست سالم از نظر زیست‌محیطی و مساعدت برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی لازم است (امیرارجمند، ۱۳۷۳: ۳۷۴). آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی، عناصر تشکیل‌دهنده محیط زیست هستند که بر حیات، رشد و بقای موجودات زنده تأثیرگذارند (فهیمی، ۱۳۸۷: ۸۱). از آنجا که مجموعه عناصر تشکیل‌دهنده محیط زیست به طور مستقیم و غیر مستقیم با هم در تعامل هستند، برای برخورداری از محیط زیست سالم لازم است که در تعامل عناصر سازنده محیط زیست، توازن برقرار باشد. در صورت بر هم خوردن این توازن، تعالی و استمرار حیات انسانی نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. یکی از عواملی که این توازن را بر هم می‌زند و باعث آلودگی محیط زیست می‌شود، عوامل بیولوژیک است (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۴۳).

از منظر قرآن مجید، حمایت و حراست از محیط زیست چنان جدی و بااهمیت است که اگر کسی بدون نیاز و ضرورت، اقدام به تخریب یا نابودی آن نماید، از جمله مفسدان روی زمین خواهد بود: ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ (بقره/ ۲۰۵)؛ «و هنگامی که برگردد [یا ریاستی یابد]، کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباہکاری را دوست ندارد» (انصاری، ۱۳۹۳: ۵/۳۹۵). فساد به معنای خارج شدن چیزی از حالت طبیعی،

اعتدال و صحت است و هلاکت یعنی زائل و نابود شدن چیزی که توان از آن استفاده کامل و بهره‌بری مناسب را نمود (لطفی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۲/۲). از اطلاق آیه مبارکه استفاده می‌شود که از بین بردن محیط زیست و هلاکت حرث و نسل<sup>۱</sup> از سوی هر کسی اعم از نیروی خودی یا دشمن صورت گیرد، اقدام فسادانگیز است و از میان بردن هر گونه موجود زنده، اعم از موجودات زنده نباتی، حیوانی و انسانی و به طور کلی محیط زیست حرام بوده و نبرد با دشمن نمی‌تواند بهانه‌ای برای استفاده از مواد سمی و آلوده‌کننده علیه سرزمین و مناطقی باشد که هیچ نقش مؤثری در نتیجه نبرد ندارند و در عین حال، ضرورت نظامی نیز آن را اقتضا نمی‌نماید (قربان‌نیا و اخگری بناب، ۱۳۹۰: ۹۳). پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز هر گاه لشکری را به مأموریتی اعزام می‌کرد، سفارش می‌فرمود:

«... لا تَغْلُوا ولا تَمْثَلُوا ولا تَغْدُرُوا ولا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَانِيًا ولا صَبِيًّا ولا امْرَأَةً ولا تَقْطَعُوا شَجْرًا اِلَّا اَنْ تَضْطَرُّوا اِلَيْهَا» (حز عاملی، ۱۴۰۹: ۸۵/۱۵)؛ با دشمنان بجنگید؛ اما پیران و کودکان و زنان را اسیر و مثله نکنید و به آنان خیانت نکنید و آنان را نکشید و درختان را جز برای ضرورت قطع نکنید.

بر اساس این روایت، پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رزمندگان را به حفظ محیط زیست سفارش فرمود و آنان را از تخریب آن بر حذر داشت.

در نظام حقوق بین‌الملل موجود از زمان شکل‌گیری قواعد لاهه (۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ م.) و سپس حقوق ژنو (کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ م. و پروتکل‌های الحاقی) می‌توان از معاهدات متعددی یاد نمود که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم ناظر بر حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه است. شاخص‌ترین سند حقوقی بین‌المللی که به موضوع محیط زیست پرداخته است، پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو است. به موجب بند ۳ ماده ۳۵ این پروتکل، به کار بردن روش‌ها و ابزارهای جنگی

۱. حرث به محصولی اطلاق می‌شود که از زراعت و کشاورزی پیش از درو کردن به دست آید و آن نتیجه زراعت است و برای تأمین زندگی و خوراک بشر بوده و با از بین رفتن آن، معاش انسان مختل گردیده و نظم زندگی به هم خواهد خورد. و نسل عبارت است از خروج چیزی یا امری از متن چیزی دیگر؛ مانند تولد طفل از مادر؛ خواه در انسان باشد یا در حیوان. اخلال در این جهت موجب از بین رفتن انسان و حیوان خواهد بود (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۶۸/۱).

که هدف از آن‌ها وارد آوردن خسارت شدید، گسترده و درازمدت به محیط زیست طبیعی باشد یا احتمال می‌رود چنین اثراتی داشته باشد، ممنوع است. همچنین ماده ۴۸ به گونه‌ای غیر مستقیم از محیط زیست حمایت می‌نماید. کنوانسیون ۱۹۷۶ میلادی سازمان ملل متحد معروف به «نمذ<sup>۱</sup>» نیز در مورد ممنوعیت استفاده از راهکارهای تغییردهنده محیط زیست در مخاصمات مسلحانه، تنها کنوانسیون خاص زیست محیطی است که موضوع محوری آن ناظر بر ممنوعیت استفاده از محیط زیست به عنوان سلاح است. زمینه‌های اولیهٔ تدوین چنین کنوانسیونی، به استفاده ارتش آمریکا از عامل نارنجی در خلال جنگ ویتنام برمی‌گردد. بر اساس ماده ۱ این کنوانسیون، دولت‌ها متعهد گردیده‌اند که از آن دسته از راهکارهای تغییردهندهٔ محیط زیست که منجر به ایجاد آثار گسترده، طولانی‌مدت یا شدید گردیده و منجر به آسیب و خسارت به هر یک از دول عضو می‌گردند، اجتناب ورزند. در بخشی از ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز تخریب شدید، گسترده و بلندمدت محیط زیست ممنوع اعلام شده است. علاوه بر این، تخریب و وارد آوردن خسارت به محیط زیست می‌تواند تنها رکن مادی جنایات بین‌المللی مطروحه در اساسنامه دیوان باشد. با توجه به مطالب فوق، استفاده از سلاح‌های بیولوژیک که یکی از عمده‌ترین عوامل تخریب و آلودگی محیط زیست است و آلودگی ناشی از آن‌ها بر روی محیط زیست به صورت پایدار باقی می‌ماند، ممنوع است (فهمی و مشهدی، ۱۳۹۵: ۷۲).

## ۳-۲. وجوب حفظ کرامت انسانی

کرامت انسانی، از جمله کلیدی‌ترین مفاهیمی است که در حمایت از ابناء بشر و مقام انسان، مورد توجه نظام حقوقی اسلام قرار گرفته است. مکتب مقدس اسلام احترام به کرامت انسان‌ها را به عنوان یک اصل بنیادین مورد تأکید قرار داده و از اهانت و تحقیر انسان‌ها بر حذر داشته است؛ به طوری که حتی خود اشخاص را از تعرض نسبت به کرامت انسانی خویش که از عطایای خداوند متعال است، ممنوع ساخته است (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۶۹). کرامت انسانی در آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام

به صورت صریح و ضمنی مورد توجه قرار گرفته است؛ برای نمونه: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ...﴾ (اسراء/ ۷۰)؛ «و به راستی ما فرزندان آدم را تکریم نمودیم و آنان را در خشکی و دریا سیر دادیم...» (بهرام‌پور، ۱۳۸۵: ۱۶۴/۱۵). این در حالی است که چنین توصیفی در شأن هیچ موجود دیگری از ناحیه خداوند متعال صورت نگرفته است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

«کرامت به فرد یا ملت خاصی اختصاص ندارد، بلکه مراد از آیه، بیان حال جنس بشر است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۱۵۵؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۹۵).

منشأ مقام کرامت انسان، عقل او و دمیده شدن روح الهی در آدم است که این دو شاخص در همه نسل آدم ثابت است. بی‌تردید به کارگیری سلاح‌های بیولوژیک، سلامتی و امنیت را که از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تعالی و پیشرفت جوامع بشری هستند، به خطر می‌اندازد و بدون وجود آن‌ها، حیثیت و کرامت انسانی مخدوش و باعث ایجاد درد و رنج عظیم جسمی و روحی بین انسان‌ها خواهد شد. بنابراین وجوب حفظ کرامت انسانی و انسانیت و کاهش تلفات، خسارات و تسکین آلام بشری، یکی از اصول مهم مورد توجه و تأکید اسلام است و بی‌توجهی به این اصول می‌تواند در ابعاد وسیعی، عناصر مورد حمایت را تحت تأثیر قرار دهد. در نتیجه استفاده از این سلاح‌ها در درگیری‌ها، با کرامت و اصول اولیه انسانی مغایر است و به وسیله همه فرهنگ‌ها از جمله فرهنگ متری اسلام، ممنوع اعلام شده است.

در حقوق بین‌الملل، منظور از حفظ کرامت انسانی این است که با همه انسان‌ها باید رفتاری انسانی و بدون هر گونه تبعیض ناشی از جنسیت، ملیت، نژاد، مذهب یا عقاید سیاسی صورت گیرد. در مقدمه کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ میلادی لاهه، در مورد رعایت حقوق و عرف جنگ، شرطی معروف به شرط مارتنس<sup>۱</sup> گنجانده شده است. این شرط بیان می‌کند که در موارد پیش‌بینی نشده در این مقررات، ساکنان مناطق درگیر جنگ و متخاصمان، مشمول حمایت مذکور در اصول حقوق ملت‌ها هستند که برگرفته از رویه مورد تأیید ملل متمدن و حقوق انسانی منطبق بر وجدان عمومی است. همچنین طبق

1. Martens Clause.

بند ۲ ماده ۱ پروتکل الحاقی اول، نظامیان و غیر نظامیان در مواردی که مشمول کنوانسیون‌ها و پروتکل یا دیگر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی نباشند، همچنان مشمول حمایت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل خواهند بود که از عرف مسلم و اصول انسانیت و ندای وجدان عمومی ناشی می‌شود. بنابراین شرط مارتنس قاعده‌ای برای پر کردن خلأ حقوق معاهده‌ای در حمایت از ارزش‌های بنیادین بشری است (دهقانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۴؛ سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۴: ۵۵).

## ۲-۴. قاعده حرمت اعتداء

در ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های بیولوژیک می‌توان به قاعده حرمت اعتداء استناد کرد. بی‌تردید استفاده از سلاح‌های بیولوژیک مصداقی آشکار از اعتداء است؛ چرا که این سلاح‌ها هیچ مرز و محدودیتی را نمی‌شناسند و کاربردشان باعث نابودی گسترده گیاهان و کشتار وسیع موجودات زنده از جمله انسان‌ها می‌شود. در حقوق اسلام، ضمن نظارت بر رفتار نیروهای دشمن، اختیار طرفین درگیر در استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای جنگی را محدود ساخته و این محدودیت به گونه‌ای است که نه تنها جنگ‌افزارهای گذشته و موجود، بلکه جنگ‌افزارهای آینده همچون سلاح‌های بیولوژیک را نیز در بر می‌گیرد و سازمان‌دهنده رفتار جنگی دولت‌های اسلامی در طول زمان است. نامحدود نبودن حق انتخاب و کاربرد جنگ‌افزار در طول مناصمات در اسلام، چنین مقرر شده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/۱۹۰)؛ «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید، ولی از حد تجاوز نکنید که خداوند تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲۶/۲). از ظاهر آیه شریفه چنین برمی‌آید که نهی وارده از حیث زمان و مکان و موضوع و مخاطب دارای اطلاق است و شامل هر نوع تعدی از حدود الهی می‌شود. بنابراین در نظام جهادی اسلام، تعدی از حدود الهی که انعکاسی از رفتار ناعادلانه است، مجاز نخواهد بود و اصل عدالت و انصاف به عنوان معیار و مبنای تعیین نحوه رفتار با دشمن معرفی شده است (ساعد، ۱۳۹۲: ۲۸۲). همچنین از این آیه می‌توان دو اصل تناسب در تسلیحات جنگی و تفکیک میان افراد نظامی و غیر نظامی مانند کودکان،

پیران، بیماران، مجروحان، نیروهای خدماتی، حیوانات و محیط زیست را استنباط کرد و توسل به این سلاح‌ها را از مصادیق تعدی و تجاوز و حرام دانست (رحمانی، ۱۳۸۹: ۴۵).  
مقدس اردبیلی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

«شروع کردن جنگ پیش از دشمن، کشتن کافر معاهد پیش از دعوت دشمن به حق و نیز کشتن به شکل ناروا، از جمله مصادیق اعتداء است که حرام است» (مقدس اردبیلی، ۹۹۳: ۳۰۶).

قاعده حرمت اعتداء متناسب با اصل تناسب در حقوق بین‌الملل است. اصل تناسب در حقوق بین‌الملل بدین معناست که خسارات و صدمات ناشی از درگیری‌ها در مقایسه با مزیت و فوایدی که از این درگیری‌ها به دست می‌آید، نباید بیش از حد لزوم باشد. اصل تناسب در حقوق بین‌الملل، زائیده یک جنگ عادلانه در حقوق جنگ و محدودیتی است بر شیوه‌های جنگی مبنی بر اینکه حملات نظامی باید کنترل شده انجام پذیرد و قبل از حمله باید تدابیر لازم با سنجش دقیق در هر مورد خاص انجام گیرد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در ارتباط با اصول احکام بر ابزارها و سلاح‌های جنگی در پاراگراف ۹۰ رأی مشورتی ۱۹۹۶ میلادی خود در مورد کاربرد سلاح‌های هسته‌ای اعلام کرده که اصل تناسب از اصول اساسی حقوق بشردوستانه است. همچنین بر اساس اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، انجام حملات نامتناسب، یک جنایت جنگی قلمداد می‌گردد (ماده ۸(۲)(ب)(۴) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، به نقل از: محمودی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۵).

در مجموع باید اذعان داشت که با مقایسه بین اصول و قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در اسلام و حقوق بین‌الملل در مورد سلاح‌های سمی (سلاح‌های بیولوژیک)، این حقوق دارای نقاط مشترکی هستند که هدف آن‌ها حمایت از حیات، کرامت انسانی و انسانیت و تسکین آلام بشری و کاهش رنج‌های انسانی تا حد ممکن در زمان درگیری‌های مسلحانه است. با توجه به فلسفه و کارکرد اصول حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، بررسی‌ها نشان می‌دهد که اسلام در این زمینه پیشگام بوده است. قرآن کریم قرن‌ها زودتر از حقوق بین‌الملل، اصول حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را ابلاغ کرده و بر رعایتشان در درگیری‌های مسلحانه تأکید ورزیده است که برخی از این



اصول در اسناد حقوق بین‌الملل، نظیر کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی به آن‌ها (۱۹۷۷) و دیگر اسناد بین‌المللی نیز بازتاب یافته است. رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از دیدگاه اسلام، وظیفه و تکلیفی دینی و شرعی است و هرگونه تخطی از آن، هم کیفر دنیوی و هم عقوبت اخروی در پی دارد. اسلام بر این نکته تأکید فراوان دارد که هدف از تمام این تکالیف و وظایف، حفظ کرامت انسانی و ارتقاء ارزش‌های والای آن است. نظر اسلام پیرامون جنبه‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه فراتر از سطح معاهدات بین‌المللی است. در واقع، قوانین و مقررات اسلامی با اینکه حدود ۱۴۰۰ سال پیش وضع گردیده است، اما به مراتب از معاهدات و قوانینی که امروز در جهان اجرا می‌شود، پیشرفته‌تر، بهتر، عینی‌تر و کاربردی‌تر است و در عین حال، انطباق بیشتری با کرامت انسانی و عزت نفس بشری دارد (فقیه حبیبی، ۱۳۹۵: ۱۰۰).

### نتیجه‌گیری

با توجه به اسناد بین‌المللی و موازین حقوق اسلامی در خصوص ممنوعیت و جنایتکارانه بودن به کارگیری سلاح‌های بیولوژیک، مشخص می‌شود که مبنای ممنوعیت به کارگیری این گونه سلاح‌ها می‌تواند بر اصول متعددی مانند، اصل حمایت از کرامت انسانی، اصل حمایت از غیر نظامیان و اصل حمایت از محیط زیست متکی باشد. علاوه بر این، عدم مشروعیت استفاده از سلاح‌های بیولوژیک، برخاسته از اصول اخلاقی و انسانی، نظیر اصل تفکیک میان نظامیان و غیر نظامیان، اصل منع ایراد و تحمیل درد و رنج بیهوده است و اصول یادشده در اسناد مختلف حقوق بین‌الملل به صورت‌های مختلف نمود یافته است که در کل تشکیل‌دهنده اصول جامع ناظر بر حقوق مخاصمات مسلحانه و عملیات‌های تروریستی است و برای نیل و دستیابی به این اهداف عالی اخلاقی و انسانی، لازم است که در عمل گام‌های بلند و استواری در صحنه بین‌المللی برداشته شود. از نظر قانونی نیز عدم کاربرد و ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های بیولوژیک مستند به کنوانسیون‌های متعددی است که کاربرد سلاح‌های بیولوژیک را ممنوع اعلام کرده‌اند، مانند کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک (۱۹۷۲) و بندهای متعددی از ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، نظیر شق هفدهم و

هجدهم و قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت،<sup>۱</sup> که بر اساس آن‌ها، استفاده از سم و سلاح‌های سمّی (سلاح‌های بیولوژیک) و گازهای خفه‌کننده، سمّی یا دیگر گازها و کلیه مایعات، مواد یا وسایل مشابه ممنوع است. از این رو باید کاربرد سلاح‌های بیولوژیک در مخصصات مسلحانه مصداقی از جنایت جنگی، و در اقدامات تروریستی مصداقی از جنایت علیه بشریت تلقی گردد؛ چرا که با فرض ابتدای حقوق بین‌الملل بر ارزش‌های بشری و تضمین و تأمین منافع بشریت، کاربرد سلاح‌های بیولوژیک با آن همه آثار منفی اجتناب‌ناپذیر برای حیات و بقای بشری، نه تنها نمی‌تواند مجاز باشد، بلکه به دلیل نقض بسیاری از اصول و قواعد آمره بین‌المللی و برهم زدن نظم عمومی و امنیت انسانی و ایجاد جراحات اضافی یا درد غیر ضروری، باید جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت قلمداد گردد. همچنین با توجه به آموزه‌های حقوق اسلامی، هیچ تردیدی در حرمت و ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های بیولوژیک وجود ندارد و حرمت کرامت انسانی و اصل حداقلی صدمه و زیان و بقای نسل بشر را می‌توان به عنوان مبانی، قواعد و دلایلی دانست که این حرمت و ممنوعیت را تأیید می‌کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دو عامل نگران‌کننده، منجر به تصویب این قطعنامه شده‌اند: یکی تروریسم و دیگری گسترش سلاح‌های بیولوژیک. این قطعنامه به صراحت از دولت‌ها درخواست می‌کند که به کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوطه در خصوص منع سلاح‌های کشتار جمعی بپیوندند و از طریق قانون‌گذاری و ایجاد کنترل‌های ملی، مانع تولید، کسب، مالکیت، توسعه، انتقال یا استفاده از سلاح‌های بیولوژیک، شیمیایی و هسته‌ای و وسایل پرتاب آن‌ها، توسط بازیگران غیر دولتی، تروریست‌ها و قاچاقچیان بازار سیاه شوند.

## کتاب‌شناسی

۱. قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دار القرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. آرش پور، علیرضا و سیده‌منیژه جعفری، «نقش مسئولیت حمایت در تضمین امنیت انسانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هجدهم، شماره ۲ (پیاپی ۶۸)، تابستان ۱۳۹۴ ش.
۳. البرزی ورکی، مسعود، «نقد و بررسی نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۸۳ ش.
۴. امامی، مسعود، و رمضانعلی شوپای جویباری، دانشنامه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۵. امیرارجمند، اردشیر، «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ویژه (۱۵)، اردیبهشت ۱۳۷۳ ش.
۶. انصاری، محمدعلی، مشکاة؛ تفسیر قرآن کریم، مشهد، بیان هدایت نور، ۱۳۹۳ ش.
۷. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۸. ابن زهره حلبی، سیدحمزه بن علی حسینی، غنیه النزوع الی علمی الاصول والفروع، تحقیق ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه الوفاء، ۱۴۱۷ ق.
۹. باباخانی، عطیه، «جامعه بین‌المللی و مقابله با نقض حقوق بشردوستانه در بحران دارفور»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۸، بهار و تابستان ۱۳۸۷ ش.
۱۰. بهرام‌پور، ابوالفضل، نسیم حیات؛ تفسیر قرآن کریم، چاپ دوم، قم، آوای قرآن، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. تاموشات، کریستیان، حقوق بشر، ترجمه و نگارش حسین شریفی طرازکوهی، تهران، میزان، ۱۳۹۲ ش.
۱۲. جاوید، احسان، و صابر نیاورانی، «قلمرو حق سلامتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۱۳. جعفری، محمدتقی، حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۷۰ ش.
۱۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البتین، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. حسینی شیرازی، سیدمحمد، تقریب القرآن الی الاذهان، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۴ ق.
۱۶. حمیدالله، محمد، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه سیدمصطفی محقق داماد، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۱۷. خالقی، ابوالفتح، و نعمت‌الله نبوی، «به کارگیری سلاح‌های نامتعارف از منظر حقوق بین‌الملل کیفری و اسلام»، فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۱۸. دریایی، محمد، بیوتروریسم در طب غربی، تهران، آرمان رشد، ۱۳۹۴ ش.
۱۹. دستغیب، محمدرضا، تسلیحات کشتار جمعی از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۲۰. دورمن، کنوت، لوئیس دوسوالد بک، و رابرت کولب، عناصر جنایات جنگی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ترجمه زهرا جعفری و زهرا محمودی و پریسا سفیدپری، تهران، مجد، ۱۳۹۳ ش.
۲۱. دهقانی، پریسا، محمدحسین رمضانی قوام‌آبادی، و محمدرضا علی‌پور، «مدخل‌های ورود و کارکردهای شرط مارتس در حقوق کیفری بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال نهم، شماره ۳۵،

- تابستان ۱۴۰۰ ش.
۲۲. رحمانی، محمد، «منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از نگاه مذاهب»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی (طلوع سابق)، سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۸۹ ش.
۲۳. رضوی فرد، بهزاد، و میثم نوروزی، «نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه و تحول حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری»، اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۶ ش.
۲۴. ساعد، نادر، چارچوب‌بندی کاربرد سلاح‌های ممنوعه در حقوق بشردوستانه و اسلام، اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، میزان، ۱۳۹۲ ش.
۲۵. همو، حقوق بشردوستانه و سلاح‌های هسته‌ای، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۶ ش.
۲۶. سلیمی ترکمانی، حجت، «جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر محور در حال ظهور»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱ ش.
۲۷. همو، حقوق بین‌الملل هسته‌ای، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۴ ش.
۲۸. سمولرز، آلت، و رولف هاومن (ویراستاران متن انگلیسی)، جرم‌شناسی فرامشی: به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی، ترجمه گروهی از پژوهشگران علوم جنایی، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، دیپاچه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۲۹. شاه‌حسینی، محمدحسن، دفاع در برابر جنگ بیولوژیک و بیوتروریسم، تهران، سازمان تحقیقات نیروهای مقاومت بسیج، ۱۳۸۱ ش.
۳۰. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، چاپ سوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۴ ش.
۳۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۳۲. طباطبایی بروجردی، سیدحسین، جامع احادیث الشیعه، قم، مدینه العلم، ۱۴۰۷ ق.
۳۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، تهران، مکتبه جامع چهل ستون، ۱۴۰۰ ق.
۳۴. همو، الجمل و العقود فی العبادات، ترجمه محمد واعظزاده خراسانی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۷ ش.
۳۵. همو، المسوط فی فقه الامامیه، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق.
۳۶. همو، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۷. عظیمی شوشتری، عباسعلی، «جستاری کلی در مقررات بشردوستانه در فقه اسلامی»، مقاله در: مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، به کوشش غلامرضا جلالی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲ ش.
۳۸. علامه حلی، ابومنصور جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۲۰ ق.
۳۹. فقیه حبیبی، علی، «جایگاه حقوق بشردوستانه در اسلام و اسناد بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵ ش.
۴۰. فلاح سیاه‌خاله‌سر، احمد، و فضائلی، مصطفی، «عقیم‌سازی اجباری مصداقی از جرم جنایت علیه بشریت در پرتو رویه دادگاه ویژه رواندا»، مجله حقوقی دانشگاه اصفهان، سال ششم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۸ ش.

۴۱. فلاحی، فاطمه، بهرام مستقیمی، حسین آل کجیاب، و بهاره حیدری، «بررسی مفهوم سلامت در نظریه امنیت انسانی»، *فصلنامه اخلاق زیستی*، سال پنجم، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۴ ش.
۴۲. فلسفی، هدایت‌الله، «روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دوره اول، شماره ۹، بهار ۱۳۷۰ ش.
۴۳. فن تیگرشتروم، باربارا، *امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل*، ترجمه اردشیر امیرارجمند و حمید قنبری، تهران، مجلد، ۱۳۸۹ ش.
۴۴. فهیمی، عزیزالله، «نگاهی گذرا به مباحث فقهی مربوط به محیط زیست از دیدگاه آیات و روایات»، *مجله تخصصی فقه و اصول*، شماره ۴، ۱۳۸۷ ش.
۴۵. فهیمی، عزیزالله، و علی مشهدی، *حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه*، تهران، خرسندی، ۱۳۹۵ ش.
۴۶. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۴۷. قربان‌نیا، ناصر، و نادر اخگری بناب، «عدم مشروعیت کاربرد سلاح هسته‌ای در پرتو اصل تفکیک (با رویکرد اسلامی)»، *فصلنامه حقوق اسلامی*، سال هشتم، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۰ ش.
۴۸. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۹. کیتی شیایزری، کریانگ ساک، *حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۵۰. لطفی، عبدالرضا، محمدرضا فقهی، و نادر اخگری بناب، *حقوق بشردوستانه در منابع اسلامی و اسناد بین‌المللی؛ جلد دوم: حمایت از محیط زیست، اموال و اماکن در مخاصمات مسلحانه*، به اهتمام و اشراف سیدمحمدرضا دستغیب، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۵۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام*، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۵۲. همو، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۵۳. محمدنسل، غلامرضا، *مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری*، دیباچه محمد آشوری، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵ ش.
۵۴. محمودی، امیر، ولی‌اله نوری، و مهدی عبدالمالکی، «اصل تناسب؛ سنتز اصول تفکیک و ضرورت نظامی در حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، سال هجدهم، شماره ۲ (پیاپی ۷۰)، پاییز ۱۴۰۰ ش.
۵۵. مصطفوی، حسن، *تفسیر روشن*، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۵۶. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *زبدة البیان فی احکام القرآن*، تهران، المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفریه، ۹۹۳ ق.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، چاپ چهل و هفتم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ ش.
۵۸. موسوی، سیدفضل‌الله، و مهدی چهل‌تی، «موازن حقوقی در منع دستیابی تروریست‌ها به سلاح‌های زیستی»، مقاله در: *تروریسم؛ آسیب‌شناسی، بازیگران و ساختارها (مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه)*، تهران، مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۵۹. نجفی، محمدحسن بن باقر، *جوهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.

۶۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، و حمید هاشم‌بیگی، *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷ ش.
۶۱. نعمتی، عطیه، «بررسی جنایات ضد بشریت در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه قانون یار*، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۹ ش.
۶۲. واحدی، قدرت‌الله، *حقوق بین‌الملل کیفری*، تهران، جنگل، ۱۳۸۹ ش.
۶۳. ورله، گرهارد، «جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر»، ترجمه امیرساعده وکیل، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال بیست و پنجم، شماره ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ ش.
۶۴. یکرنگی، محمد، و مجتبی واحدی، «راهبردهای نظام سیاست‌گذاری کیفری ایران و بین‌الملل در مقابله با تهدیدهای امنیتی بیوتروریسم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال بیست و دوم، شماره ۳ (پیاپی ۸۵)، پاییز ۱۳۹۸ ش.

**A) Book**

65. Bassiouni, M. Cherif, *International Criminal Law*, Vol. 1, New York, Ardsley, Transnational Publishers, 1999.
66. Cassese, Antonio, *International Criminal Law*, 2<sup>nd</sup> Ed., London, Oxford University Press, 2008.

**B) Article**

67. Bein, Piotr & Karen Parker, "Uranium Weapons Cover-ups - a Crime against Humankind", Paper prepared in January 2003, for a monograph Politics and Environmental Policy in the 21<sup>st</sup> Century, Available at: <<https://www.stopnato.org.uk/du-watch/bein/hamburg.htm>>.

**C) Instrument**

68. Convention (II) with Respect to the Laws and Customs of War on Land and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land, The Hague, 29 July 1899.
69. Convention (IV) respecting the Laws and Customs of War on Land and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land, The Hague, 18 October 1907.
70. Convention on the Prohibition of the Development, Production and Stockpiling of Bacteriological (Biological) and Toxin Weapons and on their Destruction, 10 April 1972.
71. International Court of Justice (ICJ), Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapon, Advisory Opinion of 8 July 1996.
72. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977.
73. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June 1977.
74. The Statute of International Criminal Court. Rome, 1998.